

The Function of Certain Variables in Neyshaboori

Shahin Nematzade¹
Leila Mamurei²

This paper investigates the social differences in employing linguistic variables in Neyshaboor town. The research sample is composed of 155 words which are taken from " Questionnaire for gathering dialects" prepared by Bahram Farahvashi in 1351 as well as the Moris swaddesh list .The present research is based on interviews and data collected from fifty six informants, two sexes and four educational groups at the university, secondary school, primary school and no educational background respectively in addition to two age groups: under 22 and above 40. Consequently the co-variation of the linguistic variables and social factors such as age and sex as well as education are discussed and the results of the analysis showed the effect of education in employing standard variants by educational groups.

Key words: *neyshaboori , education , Persian language , words , linguistic variables*

¹ - Faculty Member, Linguistics Department, Alzahra University
sh.nematzadeh@pazand.ir

² - M.A. Graduate , Linguistics Department, Alzahra University
mgharavian@iacpa.ir

کاربرد پاره‌ای از متغیرها در گونه نیشابوری

شهین نعمت زاده

لیلا معمورئی

چکیده

هدف از تحقیق حاضر بررسی تفاوت‌های اجتماعی در کاربرد متغیرها در جامعه زبانی شهرستان نیشابور است. روش تحقیق، میدانی- پژوهشی است. ابتدا ۱۵۵ واژه گویشی از پرسش‌نامه تحلیل زبانی (فرهوشی، ۱۳۵۱) و فهرست موريس سوادش انتخاب شد. نتایج به دست آمده، حاصل تحلیل اطلاعات جمع آوری شده از ۵۶ سخنگوی نیشابوری است. این تعداد به دو گروه سنی زیر ۲۲ سال و بالای ۴۰ سال تعلق داشت و ۴ گروه تحصیلی را شامل می‌شد که به طور مساوی از دو جنس زن و مرد به طور تصادفی انتخاب شدند. در تحلیل زیاتشناختی تاثیر مثبت تحصیلات در رابطه با افزایش میزان کاربرد برخی ویژگی‌های معیار زبانی در گروه‌های در حال تحصیل زیر ۲۲ سال نشان داده شده است. هم چنین تاثیر سن بر تعبیر زبانی و تمایز کاربرد برخی متغیرهای زبانی به لحاظ جنسیت مورد تحلیل زیاتشناختی قرار گرفته است.

واژه های کلیدی: گونه نیشابوری، تحصیلات، زبان فارسی، واژگان، متغیرهای زبانی

۱- مقدمه

بررسی ناهمگنی موجود در زبان‌ها در قالب متغیرهای زبانی را شاید بتوان جالب‌ترین بخش پژوهش‌های زیاتشناسی به حساب آورد. نظم حقیقی الگوهای زبانی را در واقع تنها می‌توان در گفتار سخنگویان و در جامعه زبانی و در قالب تغییرات در حال پیشرفت مشاهده کرد، به این ترتیب هر متغیر زبانی را می‌توان مرحله‌ای در تغییر یک عنصر زبانی یا به عبارتی تغییر یک قاعده زبانی به قاعده‌ای دیگر به حساب آورد (جهانگیری، ۱۳۷۸: ۷۵)

یکی از اهداف این پژوهش‌ها بررسی تاثیر عوامل اجتماعی در از بین رفتن گونه‌های مختلف زبان فارسی در مناطق مختلف ایران می‌باشد. با توجه به گستردگی این موضوع و

۱- عضو هیئت علمی، دانشگاه الزهراء sh.nematzadeh@pazand.ir

۲- کارشناس ارشد زیاتشناسی، دانشگاه الزهراء mgharavian@iacpa.ir

تفاوت‌های اجتماعی قابل ملاحظه‌ای که بین مردم نیشابور وجود دارد فرض اصلی بر این است که از عوامل موثر بر گفتار یک فرد، تحصیلات و جنسیت است. در این پژوهش سعی شده است تنها سخنگویانی انتخاب شوند که متولد نیشابور هستند و والدین آنها نیز جزو سخنگویان بومی نیشابوری محسوب می‌شوند.

بنابر این سخنگویان به هشت گروه تحصیلی مختلف تقسیم شدند و هر گروه شامل هفت سخنگو می‌باشد. گروه تحصیلی دانشگاهی مرد، گروه یک و گروه تحصیلی دانشگاهی زن، گروه دو را تشکیل می‌دهند که به لحاظ سنی به رده ۱۸ تا ۲۲ سال تعلق دارند. سن گروه تحصیلی دبیرستانی مرد، بین ۱۴ تا ۱۸ سال است که گروه سه و گروه تحصیلی دبیرستانی زن چهار را تشکیل می‌دهد. گروه پنج گروه تحصیلی ابتدایی - راهنمایی مرد ۸ تا ۱۳ سال و گروه شش دوره تحصیلی ابتدایی - راهنمایی زنان ۸ تا ۱۳ سال را شامل می‌شوند و بالاخره گروه تحصیلی بی سواد مرد و زن در سنین بین ۴۰ تا ۶۰ سال گروه‌های هفت و هشت را تشکیل می‌دهند.

ویژگی‌های جمعیت نمونه در سه بعد اجتماعی تحصیلات و جنس

جنس / تحصیلات	دانشگاهی	دبیرستانی	راهنمایی - ابتدایی	بیسواد
زن	۷	۷	۷	۷
مرد	۷	۷	۷	۷

(جدول ۱)

در چنین جامعه آماری نحوه تلفظ واژگان مورد نظر از اعضای جامعه آماری ثبت و ضبط گردید و پس از آن داده‌های بدست آمده بر اساس نشانه‌های موجود در الفبای بین المللی آوانگار (IPA) ۱۹۹۶^۱ واج نویسی شد تا بر اساس آن بتوان تفاوت‌های موجود در تلفظ را ثبت نمود.

پس از ارائه داده‌های جمع آوری شده، در بخش تحلیل داده‌ها، هفت متغیر زبانی مورد تجزیه و تحلیل زبانشناختی قرار گرفت و نتایج آماری در رابطه با هر متغیر بر اساس سه عامل اجتماعی تحصیلات، سن و جنس نشان داده شد.

^۱ .International Phonetic Alphabet

۲- تحلیل و بررسی انواع متغیرهای زبانی

عناصر اجتماعی نقش مهمی در ایجاد تغییرات زبانی در حوزه‌های آوایی، ساخت واژه‌ای و نحوی ایفا می‌کنند. لباو^۱ (۱۹۶۳) معتقد است کسی گسترش زبان را نمی‌تواند جدا از زندگی اجتماعی جامعه‌ای که در آن رخ می‌دهد، درک نماید (جهانگیری، ۲۰۰۰: ۴۹). بنا بر این مشاهده دگرگونی آوایی و فرایند تغییرات زبانی باید در بافت اجتماعی آن صورت گیرد تا نتیجه مورد نظر حاصل گردد.

در این تحقیق فرضیه پراکندگی واژگانی ویلیام چن^۲ و بیل وانگ^۳ (۱۹۷۵) مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس این فرضیه یک قاعده آوایی به تدریج حوزه عملکرد خود را بر روی واژگان دارای شرایط بالقوه گسترش می‌دهد تا زمانی که تمامی آن واژگان را فرا بگیرد. البته این نظریه توسط میلروی^۴ (۱۹۷۸) در بلفاست و جهانگیری (۲۰۰۰) در تهران به کار گرفته شده است (جهانگیری، ۲۰۰۰: ۳۵).

در این بررسی متغیرهای زبانی به دو بخش متغیرهای آوایی و متغیر ساخت واژه‌ای تقسیم می‌شوند:

۲-۱- متغیرهای آوایی

۲-۱-۱- متغیرهای واکه‌ای

الف- متغیر /e/ ~ /a/ - تبدیل یک واکه به واکه دیگر، تبدیل /a/ به /e/ در جایگاه پایانی واکه پیشین باز در واژگانی مانند :

/xana/ ~ /xâne/ خانه

/mdrəsa/ ~ /madrese/ مدرسه

در گفتار محاوره‌ای گونه معیار /e/ به عنوان جزء اصلی برخی واژه‌ها در جایگاه پایانی واژه ظاهر می‌شود مانند: خانه /xana/ ~ /xâne/. در گذشته در جایگاه پایانی این قبیل واژه‌ها، واکه /a/ بوده است و روند تبدیل /a/ به /e/ در مناطق مختلف ایران، سیر تحولی

1 . Labov. w

2 . Chen. Y

3 .Wang .S.Y

4 . Milroy. J

متفاوتی را طی کرده است، به طوری که در مناطقی چون تهران که گونه معیار را به کار می‌برند این قاعده به طور کامل عمل کرده است. این قاعده در شهرستان‌ها و مناطق مختلف یا عمل نکرده، یا جریان پیشرفت آن کند بوده است، نمونه‌ای از این پدیده را می‌توان در نیشابور مشاهده کرد. در نیشابوری در جایگاه پایانی این واژه‌ها واکه پیشین باز/a/ به کار می‌رود و روند تبدیل /a/ به /e/ در گروه‌های تحصیلی و سنی مختلف به طور متفاوتی مشاهده می‌شود.

کاربرد واژه‌های مربوط به این متغیر در گروه هشت، بالاترین بسامد را به خود اختصاص داده است که ۹۹ درصد می‌باشد و پایین‌ترین بسامد به کار رفته ۷ درصد است که در گروه شش نشان داده شده است. مقایسه میانگین واژه‌های مربوط به این متغیر اختلاف چشمگیری را در گروه تحصیلی بیسواد در مقایسه با گروه‌های دانشگاهی، دبیرستانی و ابتدایی - راهنمایی نشان می‌دهد و تاثیر تحصیلات را در روند رو به افزایش کاربرد این متغیر نشان داده است.

برخی واژه‌ها مانند واژه /mala /~/mâle/، ماله، " بسامد بالایی را در کاربرد این متغیر در تمام گروه‌های تحصیلی نشان داده است که به نظر می‌رسد دلیل این امر بسامد کمتر این واژه نسبت به واژه‌های دیگر در بین گروه‌های مختلف تحصیلی می‌باشد. بنابر این همان طور که جهانگیری (۲۰۰۰:۱۲۴) در تحلیل خود به این نتیجه رسیده است، می‌توان گفت عناصر کم بسامدتر دیرتر تحت تاثیر قاعده واجی قرار می‌گیرند و یک قاعده واجی در آغاز عناصر پر بسامد تر را تحت پوشش قرار می‌دهد.

ب - متغیر /u/~/ö/ و /o/~/ö/ - تبدیل واکه پیشین گرد /ö/ به واکه پسین نیم باز نیم گرد /o/ و واکه پسین بسته گرد /u/ در واژگانی مانند:

/göriba/~/gorbe/ گربه

/göš/~/guš/ گوش

در بسیاری از واژه‌های نیشابوری واکه پیشین گرد /ö/ جایگزین /o/ و /u/ در جایگاه میانی و پایانی واژه می‌شود. عوامل اجتماعی از جمله تحصیلات، سن و جنس تاثیر متفاوتی بر روند تبدیل این متغیر و کاربرد گونه معیار آن در گروه‌های مختلف تحصیلی داشته است .

بالاترین بسامد به کار رفته در این متغیر متعلق به گروه هفت است که ۹۶ درصد می‌باشد و پایین‌ترین بسامد ۶ درصد است که متعلق به گروه‌های سه و شش است. در

مجموع در صد وقوع این متغیر نسبت به متغیر شماره یک کاهش قابل ملاحظه‌ای داشته است که نشان دهنده تاثیر تحصيلات در کاهش کاربرد این متغیر بوده است. لازم به ذکر است که عامل سن نیز در افزایش کاربرد گونه معيار این متغیر در گروه‌های سنی زیر ۲۲ سال موثر بوده است و هر چه به گروه‌های سنی پایین‌تر می‌رسیم کاربرد این متغیر به طور چشمگیری کاهش می‌یابد. بنابراین می‌توان تغییر زبانی در حال انجام را در تاثیر سن پیش‌بینی نمود .

۱-۲- متغیرهای همخوانی

الف - متغیر /h/ ~ /ħ/ - تبدیل همخوان حلقومی سایشی بی واک /ħ/ به همخوان چاکنایی سایشی بی واک /h/ در جایگاه آغازین، میانی و پایانی واژه.

/ħalim/ ~ /halim/	حلیم	جایگاه آغازین واژه:
/maħmud/ ~ /mahmud/	محمود	جایگاه میانی واژه :
/dsbeħ/ ~ /tasbih/	تسبیح	جایگاه پایانی واژه :

در نیشابوری آوای حلقی /ħ/ در واژه‌هایی که حرف ح در آنها به کار رفته است به صورت آوای حلقی و حتی در برخی واژه‌ها مانند *هندونه* و *یا روباه* در قیاس با این متغیر به صورت آوای حلقی تلفظ می‌شود که عامل تحصیل، باعث کاربرد گونه معيار این واژه‌ها در گروه‌های تحصیلی (دانشگاهی، دبیرستان و ابتدایی - راهنمایی) شده است. مقایسه میانگین واژه‌های مربوط به این متغیر تاثیر تحصيلات، سن و به خصوص جنس را به طور قابل ملاحظه‌ای نشان داده است. بالاترین بسامد به کار رفته در کاربرد این متغیر ۸۲ درصد است که مربوط به گروه هفت می‌باشد و در دو گروه تحصیلی چهار و شش، درصد به کار رفته صفر می‌باشد که نشان دهنده پایین‌ترین بسامد کاربرد این متغیر است .

نتایج حاصل از کاربرد این متغیر بیانگر این مطلب است که عوامل اجتماعی دیگری نیز در کاهش این متغیر در گروه‌های تحصیلی دانشگاهی، دبیرستانی و ابتدایی - راهنمایی موثر می‌باشد. یکی از این عوامل، اعتبار اجتماعی است که کاربرد گونه معيار آن دارای اعتبار اجتماعی بیشتری نسبت به گونه غیر معيار آن است و با توجه به این که زنان تحصیل کرده نسبت به مردان تمایل بیشتری به کسب اعتبار اجتماعی دارند می‌توان گفت که کاربرد گونه

معیار این متغیر در زنان تحصیل کرده افزایش چشمگیری را نشان داده است، بنابراین کاربرد این متغیر نسبت به جنس حساس است و حساسیت این متغیر نسبت به جنس در تمام گروه‌های تحصیلی به جز بیسواد قابل مشاهده است.

برخی واژه‌ها مانند حوله، /howla/ ~ /howle/ که در دو سه دهه اخیر جایگزین واژه‌های قدیمی نیشابوری شده‌اند تحت تاثیر این قاعده واجی قرار نگرفته‌اند و به همان صورت گونه معیار در بین تمام گروه‌ها تلفظ می‌شوند. بنابر این همان طور که جهانگیری (۱۳۵:۲۰۰۰) در تحلیل خود به این نتیجه رسیده است، می‌توان گفت همه عناصر واژگانی‌ای که محیط واجی یکسانی دارند به نحو یکسانی نسبت به یک قاعده واجی حساس نیستند.

ب- متغیر /?/ ~ /√/ - تبدیل همخوان حلقومی انسدادی واکدار /√/ به همخوان چاکنایی انسدادی بیواک /?/ در جایگاه آغازین و میانی واژه.

/√ ausi/ ~ /? arusi /	عروسی	: جایگاه آغازین واژه
/za√fəron/ ~ /za?ferun/	زعفران	: جایگاه میانی واژه

وجود آوای حلقی /√/ در نیشابوری سیر تحولی متفاوتی را بر حسب سن، جنس و تحصیلات نشان می‌دهد. همچنین برخی واژه‌ها مانند /adviye/ ~ /√ aduya/ در قیاس با این متغیر به صورت /√/ تلفظ می‌شود که البته این تلفظ تنها در گروه بیسواد به کار رفته است. بنابر این تاثیر تحصیلات در کاربرد گونه معیار این واژه در بین تمام گروه‌های تحصیلی جز گروه بیسواد کاملاً محسوس است.

بیشترین بسامد این متغیر ۹۶ درصد است که مربوط به گروه هفت است و کمترین بسامد وقوع این متغیر یک درصد است که به گروه شش تعلق دارد. به نظر می‌رسد این متغیر نیز همانند متغیر /h/ نسبت به جنس حساس است و همچنین کاربرد گونه معیار آن دارای اعتبار اجتماعی می‌باشد و با توجه به این که زنان تحصیل کرده نسبت به مردان تمایل بیشتری به کسب اعتبار اجتماعی دارند، بنابراین افزایش چشمگیری در کاربرد گونه معیار این متغیر در زنان تحصیل کرده مشاهده می‌شود. همچنین شکاف بسیاری در بین گروه‌های تحصیلی بالای ۴۰ سال و زیر ۲۲ سال مشاهده می‌شود که این شکاف در بین گروه‌های تحصیلی زیر ۲۲ سال کمتر نمایان است.

ج - متغیرساخت هجایی /CVC/ ~ /CC/ - تبدیل خوشه دوهمخوانی آغازین هجا /CC/ به /CVC/. در این فرایند واژه‌های تک سیلابی به واژه‌های دو سیلابی تبدیل می‌شوند. در واژگانی مانند :

/pdar/ ~ /pedar/ پدر
/sndəli/ ~ /sandali/ صندلی

در این فرایند وجود خوشه دو همخوانی آغاز هجا همان طور که جهانگیری (۱۳۷۸: ۷۹) بیان می‌دارد که از دوره ایرانی میانه تا امروز در گونه سیستانی - بلوچی حفظ شده است، در منطقه نیشابور نیز کاربرد دارد. به نظر می‌رسد این متغیر ساخت هجایی تنها در واژه‌های قدیمی نیشابوری کاربرد فراوانی دارد و واژه‌هایی که در دو سه دهه اخیر وارد نیشابوری شده‌اند این متغیر در آنها به ندرت به چشم می‌خورد و تحت این قاعده آوایی در نیامده‌اند. بالاترین بسامد وقوع این متغیر ۹۰ درصد است که متعلق به گروه تحصیلی هفت و هشت می‌باشد و پایین‌ترین بسامد آن ۴ درصد است که مربوط به گروه شش می‌باشد. مشاهده میانگین کاربرد واژه‌ها در بین گروه‌های مختلف تحصیلی حاکی از تایید فرضیه پراکندگی واژگانی چن و وانگ می‌باشد. نظریه چگونگی گسترش تغییر زبانی، نه تنها در این متغیر بلکه در تمام متغیرهای مورد تحلیل در این پژوهش مشاهده می‌شود و حتی بسیاری از واژه‌های قدیمی نیشابوری که به صورت /CC/ تلفظ می‌شوند اکنون در بین گروه‌های تحصیلی به جز بیسواد با استفاده از قاعده /CVC/ تلفظ می‌شوند. مانند:

/čqök/ ~ /čoqok/ گنجشک
/tbna/ ~ /tebne/ سوزن بزرگ
/slla/ ~ /salle/ آب کش چوبی
/qrut/ ~ /qorut/ کشک

این موارد و نمونه‌های مشابه نمایانگر تایید فرضیه پراکندگی واژگانی چن و وانگ می‌باشد که یک قاعده آوایی به تدریج حوزه عملکرد خود را بر روی واژگان دارای شرایط بالقوه گسترش می‌دهد تا زمانی که تمامی آن واژگان را فرا گیرد (جهانگیری، ۲۰۰۰: ۳۵).

همچنین کاربرد گونه معیار واژه فالخن falāxan در بین گروه‌های مختلف تحصیلی به ندرت دیده شده است و گروه‌های مختلف تحصیلی معادل نیشابوری آن، واژه

پلخمن *plaxmon* و یا واژه تیرکمان *tirkamun* را بکار می‌برند. بنابراین، این مطلب که یک قاعده واجی در آغاز، عناصر پر بسامدتر را تحت پوشش قرار می‌دهد در رابطه با کاربرد این متغیر نیز صدق می‌کند.

د - متغیر /Ø/ ~ /w/ - وجود متغیر /w/ در واژه *خواهر* از دوره ایرانی میانه امتداد یافته است.

گروه *hw* ایرانی باستان که در اوستایی *xv* گردیده، در فارسی میانه *xw* (تلفظ: *xw*) پهلوی اشکانی ترفانی *wx* (شاید *ux* تلفظ می‌شده) نوشته شده است (ابوالقاسمی، ۱۳۸۴: ۱۵۷).

اوستایی	فارسی باستان	پهلوی اشکانی	فارسی میانه	فارسی میانه	فارسی دری
		ترفانی	ترفانی	زردشتی	

<i>xâhar</i>	<i>xwâhar</i>	<i>xwâr</i>	<i>xwâr</i>	<i>hwahar</i>	<i>x^vaṅhar</i>
--------------	---------------	-------------	-------------	---------------	---------------------------

کاربرد این متغیر در واژه *خواهر* /*xâhar*/ ~ /*xowar*/ بر اثر عوامل مختلفی نظیر سن، جنس و تحصیلات سیر تحولی متفاوتی را در گروه‌های مورد نظر طی کرده است. بالاترین بسامد وقوع این متغیر صد درصد بوده است و به گروه هشت تعلق دارد و پایین‌ترین بسامد صفر بوده است که به گروه سه و شش اختصاص دارد. با توجه به نتایج حاصل از کاربرد این متغیر و متغیرهای دیگر شکاف بین این دو گروه سنی بالای ۴۰ سال و زیر ۲۲ سال کاملاً آشکار است. بنابراین، این متغیر زبانی با تحصیلات، سن و در برخی موارد جنسیت نوعی همبستگی کلی را نشان داده است.

۲- متغیر ساخت واژه‌ای

الف- متغیر /*šod*/ ~ /*raft*/ - در نیشابوری فعل /*raftan*/ در ساخت مجهول و ساخت اسنادی جایگزین فعل /*šod*/ می‌شود.

/*pšeymon raft*/ ~ /*pašimun šod*/ پشیمان شد

/*poxta rofta* / ~ /*poxte šode*/ پخته شده است

در نیشابوری متغیر ساخت واژه‌ای که در ساخت مجهول و ساخت اسنادی جایگزین

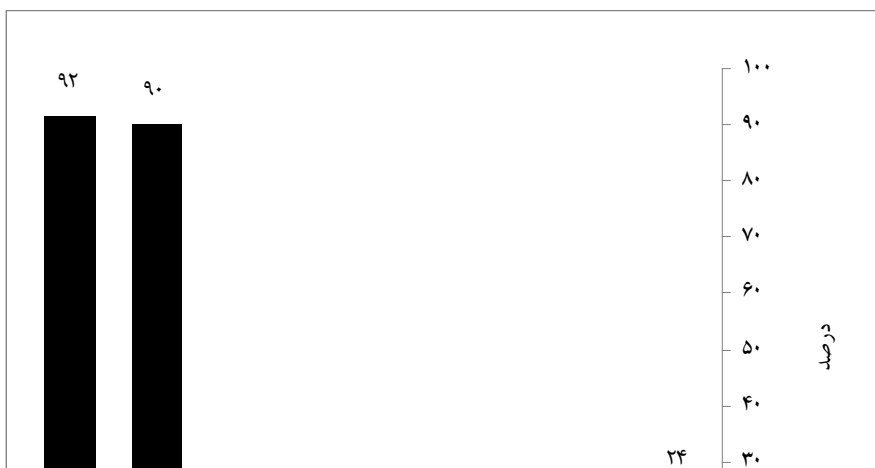
واژه *شد* می‌شود فعل رفتن *raftan* می‌باشد که به زمان‌های متفاوت صرف می‌شود.

بیشترین میزان کاربرد این متغیر مانند متغیرهای قبل به گروه بیسواد اختصاص یافته است که ۸۶ درصد است و متعلق به گروه ۷ می‌باشد و پایین‌ترین میزان کاربرد این متغیر ۶ درصد است که مربوط به گروه شش است. با توجه به نتایج حاصل از کاربرد متغیرها در این گروه‌های تحصیلی، به نظر می‌رسد تاثیر عوامل دیگر نظیر سن نیز در افزایش و یا کاهش متغیرها بسیار تاثیرگذار باشد .

۳- نمودار کلی

در سطح جامعه زبانی، تغییرات زبانی با میزان تحصیلات سخنگویان ارتباط و همبستگی قابل توجهی را نشان می‌دهد، به نظر می‌رسد سخنگویانی که مدت زمان طولانی را صرف خواندن و نوشتن کرده‌اند و بیشتر با زبان نوشتاری سرو کار داشته‌اند زبان گفتاری آنها نیز متأثر از آن می‌شود. بنابراین میزان تحصیلات سخنگویان یک جامعه زبانی عامل مهم اجتماعی در تغییر پذیری و گوناگونی زبانشناسی است .

آمار نهایی در نمودار زیر مقایسه میانگین واژه‌های مربوط به هفت متغیر را در هشت گروه تحصیلی مختلف نشان می‌دهد .



۴- نتیجه گیری

با توجه به مجموعه داده‌های ارائه شده در این تحقیق و تحلیل آنها چنین بر می‌آید که میزان کاربرد گونه معیار زبان فارسی در خانواده‌ها بستگی به عوامل اجتماعی گوناگونی دارد. عواملی نظیر تحصیلات، سن، جنس، طبقه اجتماعی که در خصوص تمایل سخنگویان این منطقه به کاربرد گونه معیار زبان فارسی نقش داشته است و دارد. از آنجایی که کاربرد گونه معیار زبان از همان کودکی از طریق والدین و اطرافیان به کودکان منتقل می‌شود، بنابر این گونه معیار زبان فارسی در گروه‌های تحصیل کرده کاربرد چشمگیری داشته است و شکاف بین گروه‌های تحصیلی دانشگاهی، دبیرستانی و ابتدایی - راهنمایی در مقایسه با گروه بیسواد کمتر است. همچنین بیشترین میزان کاربرد متغیرها در گروه بیسواد بالای ۴۰ سال را شامل می‌شود. به عقیده لباو (۱۹۷۲: ۱۵۲) نتایج به دست آمده حاکی از عدم کاربرد یکسان متغیرها توسط سخنگویان این منطقه می‌باشد و این که دو گروه سنی جوان‌تر و مسن‌تر به دو جامعه گفتاری نسبتاً متفاوتی تعلق دارند. در مجموع موارد ارائه شده تایید کننده مباحث نظری مطرح شده در این پژوهش می‌باشد.

منابع

- ابوالقاسمی، م (۱۳۸۴) تاریخ زبان فارسی. تهران: سمت.

-
-
- ثمره، ی (۱۳۸۰) *آواشناسی زبان فارسی*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
 - جهانگیری، ن (۱۳۷۸) *زبان: بازتاب زمان، فرهنگ و اندیشه*. تهران: آگاه.
 - فرهوشی، ب (۱۳۵۱) *پرسش‌نامه برای گردآوری گویش‌ها*، تهران.
 - Jahangiri ,N (2000) *A Sociolinguistic Study of Persian in Tehran*. Tokyo: Institute for the Study of Languages and Cultures of Asia and Africa .
 - Milroy , J (1972)"Lexical Alternation and Diffusion in Vernacular Speech" Belfast, Working Papers in Language and Linguistics,3.
 - Labov ,W (1972)*Sociolinguistic Patterns*, Pennsylvania:University of Pennsylvania Press .

.....

ل س د ا ف